رسالت
سال سی‌ونهم ■ شماره ۱۰۸۵۲ ■ روزنامه صبح ایران

گروه اجتماعی

تصویر معلمی در کشورمان سال‌هاست که تصویر مطلوب و خوشایندی نیست و با تشدید تورم و بغرنج‌ترشدن اوضاع اقتصادی کشور، شدت دلزدگی و دافعه از حرفه معلمی بیشتر شده. بدون شک حفظ شان و منزلت اقتصادی معلمان که کارگزاران اصلی جریان تعلیم و تربیت‌اند از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال معلمان این روزها خرسند نیستند. متوازن نبودن حقوق با حداقل شاخص رفاه باعث نارضایتی آنان شده و چالش‌های اقتصادی روبه رشد و افزایش تورم موجب شده وضعیت آن‌ها حتی وخیم‌تر بشود. به همین علت در آزمون اختصاصی پذیرش دانشجو- معلمان «۶۶۰ هزار و ۳۹۳ نفر ثبت‌نام کردند که از این تعداد ۶۶ درصد زن و ۳۴ درصد مرد بودند.» این آمار به معنای بی‌رغبتی مردان به حرفه معلمی است و حقوق و مزایای ناکافی به روشنی توجیه می‌کند که چرا تمایل مردان برای ورود به این حرفه سال به سال کمتر می‌شود.

دیگر آنطور که در دهه‌های قبل مرسوم بود، اشتیاقی برای حضور در حرفه معلمی باقی نمانده و آموزگاران خلاق و پرانگیزه جای خود را به معلمان غیرمتخصص داده‌اند، کسانی که یا به فرآیند تعلیم و تعلم علاقه دارند، یا گزینه بهتری برای اشتغال نیافته‌اند، همین است که در سال‌های اخیر کیفیت آموزش در مدارس افت کرده و براساس آمار اعلام شده در زمستان ۱۴۰۲، طی دو دهه اخیر سطح سواد و معدل تحصیلی دانش‌آموزان روند نزولی داشته و این پدیده به‌ویژه از زمان همه‌گیری کرونا شیب منفی تندتری داشته است.

ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق آموزش متوسطه بر فقر یادگیری دانش‌آموزان صحه می گذارد و در گفت‌وگو با «رسالت» می گوید، «به شکل دقیق‌تری علی زرافشان، معاون سابق وزیر آموزش‌وپرورش، این موضوع را اعلام کرده بود. زرافشان، به استناد آمارهای بانک جهانی در زمینه فقر یادگیری کودکان و نوجوانان، از آمارنگران کننده‌ای خبر داد که نشان می‌داد ۳۶ درصد دانش‌آموزان ما در ۱۰ سالگی از خواندن یک متن ساده ناتوان‌اند. طبق الگوسازی‌های صورت‌گرفته برای تعیین دورنمای وضعیت تحصیلی، مشخص می‌شود در شرایطی که باید این آمار در سال ۲۰۳۰ به ۱۸ درصد کاهش یابد، برآوردها حاکی از آن است که ۴۴ درصد افزایش خواهد داشت که این مسئله نشان دهنده عدم به‌کارگیری معلمان قوی و متخصص است.»

منزلت از دست رفته معلمان را به آن‌ها بازگردانید

سحرخیز با اشاره به سخن رئیس جمهور مبنی براینکه «ایران قوی در گروی مدرسه قوی و مدرسه قوی در گروی داشتن معلمان قوی است.» عنوان می کند: «نظام آموزشی پیشرو، نیازمند به کارگیری معلمان قوی است و علاوه بر تامین معیشت باید منزلت از دست رفته معلمان را به آن‌ها برگردانیم. این منزلت در صورتی برگشت‌پذیر است که معلمان اقتدار علمی و اجتماعی و سازمانی پیدا کنند. اقتدار علمی مستلزم جذب و گزینش معلمان توانمند است، در وهله نخست باید جذب معلمان از مسیرهای متفرقه متوقف و معلمان توانمند به لحاظ دارابودن بنیه علمی جذب آموزش‌وپرورش شوند، البته پیش‌نیاز ورود معلمین قوی حل مسئله معیشت است، یعنی باید آن شکافی که بین میانگین دریافتی حقوق معلمان با کارکنان سایر سازمان‌ها و نهادها وجود دارد به حداقل برسد، در این صورت است که می‌توانیم زمینه جذب معلمان توانمند و با انگیزه را فراهم کنیم. از دو مسیر دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی و یا آزمون ماده ۲۸ باید بهترین نیروها را جذب کنیم. این مسئله در گروی برداشتن سهمیه است و باید اجازه دهیم افراد با انگیزه و توانمند به این عرصه وارد شوند. در حال حاضر رشته تحصیلی تعداد قابل توجهی از معلمان با رشته‌ای که در مدارس تدریس می کنند تناسب و همخوانی ندارد. این نامربوط بودن رشته تحصیلی آموزگاران با کتابی که تدریس می کنند، یکی از آفاتی است که توان علمی و تخصصی و شایستگی‌های معلم را زیر سوال می برد. بخشی از این مسئله به استخدام‌های اخیر برمی گردد که ضابطه‌مند نبوده است. اگر بناست برای مقطع ابتدایی معلم جذب کنیم، نباید هرشته وتخصصی وارد این مقطع شود. آموزش پیش دبستانی و دبستان یک تخصص است و انتظار داریم متخصصین در اولویت جذب قرار گیرند. در غیر این صورت افت کیفیت آموزشی تداوم خواهد داشت.»

معاون اسبق آموزش متوسطه تاکید می کند: «آنچه پس از فرآیند جذب اهمیت دارد، تربیت معلمان است. آموزش‌های پیش از معلمی را باید جدی گرفت که شامل آموزش‌های مهارتی می‌شود. توان تخصصی از یک سو و ایجاد توان مهارتی و صلاحیت‌های حرفه‌ای از سوی دیگر اهمیت دارد. بخشی از صلاحیت‌های حرفه‌ای پیش از استخدام و ورود به شغل معلمی مورد سنجش قرار می گیرد. بخش دیگری از صلاحیت‌ها نیز باید حین استخدام تداوم پیدا کند و آنطور که وزیر آموزش‌وپرورش مطرح کرده، قرار است نهضت آموزش معلمی راه‌اندازی شود. برخی معلمان پس از گذشت ۲۰ سال از استخدام، توان حرفه‌ای و تخصصی‌شان به روز نشده در حالی که باید دانش و مهارتشان به روز شده و آن‌ها را با شیوه‌های جدید تدریس آشنا کنیم. لازمه تحقق این موضوع، جدی گرفتن آموزش‌های حین خدمت است که اساسا فراموش شده، در حالی که مطابق تاکیدات مقام معظم رهبری گزینش معلمان باید استمرار داشته باشد و هیچ معلمی نباید احساس کند پس از استخدام، دیگر تحت نظارت و پایش نخواهد بود. نظارت بر معلمین و سنجش صلاحیت آنان باید به صورت مستمر و پایدار باشد و برمبنای آزمون‌هایی که هرچند سال یکبار برگزار می‌شود، معلمان ارزش گذاری و رتبه‌بندی شوند. در اینجاست که رتبه‌بندی معنا پیدا می کند. ما رتبه‌بندی را قربانی اختلاف میانگین پرداختی معلمان با سایر کارکنان دولت کردیم. این طرح تا حدودی حقوق‌ها را ترمیم کرده است. اما بنا نبود فقط حقوق را ترمیم کند. باید انگیزه معلم را افزایش و توان تخصصی آنان را ارتقاء می‌داد. این اتفاق نیفتاده است و زمانی چنین اتفاقی به‌وقوع می‌پیوندد که افراد توانمند جذب و به آن‌ها آموزش دهیم و سپس این آموزش‌ها را پایش و ارزشیابی کنیم. اگر معلمی به روز و توانمند است و آثار و پیامد فعالیتش در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان منعکس شده، آنگاه رتبه‌ای را به او اختصاص داده و به ازای رفتن به رتبه بالاتر باید حقوق بهتری هم دریافت کند. مسئله معلم را اگر جدی بگیریم، می‌توان امیدوار بود که سایر ضعف‌های آموزش‌وپرورش به تدریج ریشه‌یابی و حل شود.»

مشکلاتی معیشتی و نه قاطع مردان به حرفه معلمی

معاون اسبق آموزش متوسطه با تاکید براینکه باید دخالت‌های بی‌جا در حکمرانی آموزش‌وپرورش به‌ویژه در فرآیند جذب معلم تا حد امکان از بین برود، می گوید: «اگر به توان و تخصص و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان توجه شود، این اقدام به تدریج باعث احیای منزلت اجتماعی و علمی معلمان خواهد شد. اما در حال حاضر زنان با پیشتازی ۳۲ درصدی بیشترین متقاضی ورود به دو دانشگاه فرهنگیان و تربیت معلم رجایی هستند و علاقه‌مند تدریس در مقطع ابتدایی هستند، اما مردان تمایل چندانی برای ورود به شغل معلمی ندارند. در گذشته این گونه نبود و خیلی‌ها برای معلم شدن سر و دست می‌شکستند. این نشان می‌دهد که شغل معلمی جاذبه خود را از دست داده و علیرغم اینکه درصد بیکاری بسیار بالاست، اغلب افراد به‌ویژه مردان تمایلی به اشتغال در این بخش ندارند. اگر جذابیت این حرفه را افزایش می‌دادیم و به معیشت و منزلت معلمان توجه می کردیم، حتما کسانی که علاقه‌مند به شغل معلمی هستند برای ورود به آموزش‌وپرورش درنگ نمی کردند. آنچه باعث شده انگیزه برای ورود به ویژه در میان مردان کاهش یابد، مسائل معیشتی و منزلتی است. سال ۱۳۷۰ حقوق دریافتی معلمان به صورت میانگین ۵۰ هزار تومان بود. امسال اگر رتبه‌بندی را کنار بگذاریم، در صورت اعمال افزایش حقوق ۲۰ درصدی، میانگین حقوق معلمان به بیش از ۱۸ میلیون تومان می‌رسد، اما علیرغم این رشد چندبرابری، معلمان هنوز هم نتوانسته‌اند خودشان را بازیابی کنند و به دلیل مشکلات اقتصادی، رضایت‌مندی لازم در میان قاطبه آنان ایجاد نشده. از سال ۱۳۷۰ تا کنون که ۳۲ سال گذشته، هرسال به طور متوسط آموزش‌وپرورش ۲۵ درصد کسری بودجه دارد. این کسری‌ها باعث می‌شود که انگیزه در معلمین کشته شود، چون مطالبات معوقه دارند و پاداش آن‌ها به موقع پرداخت نمی‌شود.»

سحرخیز تصریح می‌کند: «سیاست گذاران و حوزه‌های تصمیم ساز ازجمله سازمان برنامه و بودجه کج‌دار و مریز و دست به عصا حرکت می‌کنند. یک روز به دنبال خودگردانی مدارس و روز دیگر به دنبال اداره مدارس به شکل هیئت امنایی و خرید خدمات هستند. این حرکت‌های زیگزاگی و فقدان راهبرد ثابت و استراتژی متقن باعث شده که آموزش‌وپرورش دولتی آسیب ببیند. وزارت آموزش‌وپرورش، مجلس و سایر بخش‌های تصمیم گیر، باید یکبار برای همیشه در جهت واقعی کردن بودجه آموزش‌وپرورش گام بردارند. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند برای عبور از گردنه‌های دشوار پیشرفت و تحول نیازمند آموزش‌وپرورش و معلمان قوی هستیم. این در حالی است که تفاوت چند ده برابری میان مخارج آموزشی دهک پردرآمد با دهک‌های نابرخوردار در جامعه، رسیدن به یادگیری یا آموزش باکیفیت در مدارس دولتی را به رویایی محال و دست نیافتنی تبدیل کرده است که بارها و بارها، انتقاد رهبری را به دنبال داشته است. در دخل و خرج دولت، یعنی بودجه، که از جهت‌گیری‌های یک ساله آن، متناسب یا متناظر با یک برنامه میان مدت پنج ساله حکایت دارد سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی، مانند ۱۰ سال گذشته، افزایشی را دشت نکرده است تا اقلا تازه‌ای را پیش روی مدارس دولتی بگشاید. علیرغم تخصیص ۱۱۰ درصدی در بودجه سنواتی، کماکان توفیری در حجم مطالبات بر زمین مانده معلمان یا سهم کمتر از ۱۰ درصدی آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی دولت حاصل نشده است! گویی سازمان برنامه‌وبودجه، در سایه سکوت مدیران کنونی آموزش‌وپرورش، سوگند یاد کرده است با دنبال کردن همان مدل خطی یکنواخت و بی‌انتها، آموزش‌وپرورش را با همان ناترازی‌های گذشته بدهکار و بی‌ثبات مدیریت کند. آموزش‌وپرورش در حالی سال جدید را تجربه می کند که گویا هنوز هم چیزی بین ۴۰ تا ۷۰ همت بدهکاری پرداخت نشده در آستین دارد و سهم آن از بودجه عمومی ۲۵۶۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت (به جز درآمدهای اختصاصی دستگاه‌ها) حتی به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد. گذشته از مدیریت ناکارآمد، ساماندهی و سازماندهی مطلوب و به هنگام از منابع و داشته‌ها، با سهم ناچیز ۹٫۵ درصدی آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی دولت نمی‌توان حتی به احیا ونجات مدارس دولتی امید بست تا چه رسد به تقویت و بازگشت دوباره آنها به جایگاه بی بدیل خویش، بهبود منزلت از دست رفته معلمان و آموزشگران بی انگیزه، جبران خسارات وارد آمده برسواد پایه خواندن و نوشتن، بی‌سوادی سیستمی در حکمرانی بر آموزش‌وپرورش و رسیدن به نصیب برابر آموزشی. امروز مردم به جبر، در پرتو سوء مدیریت‌ها در آموزش‌وپرورش دولتی با شهریه‌های چند ده میلیونی حتی در شهرهای کوچک کنار آمده‌اند تا ناخواسته فرصت برای اضمحلال مدارس دولتی بیش از گذشته فراهم شود!»

معلمان در تنگنای معیشت و منزلت

تلاش برای واقعی کردن بودجه آموزش و پرورش

معاون اسبق آموزش متوسطه معتقد است، حل این مسائل پیچیده به‌تنهایی از عهده مشخص وزیر برنمی‌آید. در گام نخست باید آموزش‌وپرورش به‌عنوان اولویت اول در دستور کار سران قوا قرار گیرد و سپس برای واقعی شدن بودجه این وزارتخانه تلاش کرد. سحرخیز تاکید می کند، «یکی از موارد مهمی که باید در دستور کار قرار گیرد، این است که وزیر آموزش‌وپرورش، معاون اقتصادی داشته باشد، اگرچه این مجموعه، دستگاه اقتصادی نیست اما برای حل مشکلات مالی آموزش‌وپرورش وجود چنین معاونتی لازم است. ما اقداماتی انجام داده‌ایم که اثری در احیای منزلت معلمی نداشته است، ازجمله صندوق ذخیره فرهنگیان که در گذشته تصور می کردیم گره‌ای از زندگی معلمان می گشاید اما در حال حاضر برای مجموعه وزارتخانه به یک درد سر عظیم بدل شده است و به جای اینکه وزارتخانه به موضوع اصلی یعنی تعلیم و تربیت بپردازد، خودش را گرفتار حواشی کرده است. معاون اقتصادی باید ضمن ایجاد سازمان رفاهی و ارتقاء انگیزه در معلمان، برای گرفتاری‌های مالی این وزارتخانه چاره‌اندیشی کند. همواره یکی از راهکارهایی که برای بهبود وضعیت اقتصادی آموزش‌وپرورش پیش‌بینی شده توسعه مدارس غیردولتی است، درحالی که بسیاری از کشورها در اروپا و آمریکا از این مسئله عبور کرده‌اند و امروز در هیچ کجای دنیا سراغ نداریم که بیشتر از ۱۰ درصد مدارس غیردولتی باشد.»

مدت‌هاست این حقیقت از پرده بیرون افتاده که هر تحولی در آموزش‌وپرورش سرانجام به اقتصاد ختم می‌شود و به این دلیل وزارتخانه تعلیم و تربیت در لاک‌ی از گرفتاری‌های روزمره خویش مانده است و معلمان هم زمان با فقر و بلاتکلیفی دست و پنجه نرم کرده و برای تامین معاش در جست‌وجوی شغل دوم و سوم هستند.

با این حال محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس مسائل آموزش‌وپرورش مطالبه معلمان در سه دهه اخیر را فراتر از مسائل معیشتی دانسته و در گفت‌وگو با «رسالت» می گوید: «حتی اگر حقوق معلمان از میانگین ۱۵ میلیون تومان به ۳۰ میلیون تومان هم برسد، باز هم مشکل آموزش‌وپرورش حل نخواهد شد. تامین معیشت و ارتقاء منزلت معلمی از شروط لازم است اما کافی نیست. این شروط لازم هنوز محقق نشده و مادامی که مشکل معیشت معلمان حل نشود، منزلت آنان نیز ارتقاء نمی‌یابد و کیفیت آموزش هم منوط به تحقق این موارد است. در سایر کشورهای جهان تلاش شده تا معیشت معلمان تامین شود. البته برخی کارشناسان تلاش دارند حقوق و مزایای معلمان در سایر نقاط جهان را نجومی و رویایی اعلام کنند، درحالی که چنین برداشتی اشتباه است. حقوق معلمان در سراسر جهان به اندازه‌ای است که می‌توان با آن یک زندگی معمولی را اداره کرد. ممکن است در چند کشور حقوق آموزگاران بیشتر باشد، همانند نیوزیلند که ۹۰ هزار دلار در سال است. در آمریکا میانگین حقوق معلمان ۴۴ هزار دلار و در فنلاند نزدیک به ۴۰ هزار دلار در سال است. اما اغلب، حقوق معلم در هر کشوری نزدیک به متوسط حقوق همان کشور است. که می‌توان یک زندگی معمولی، بدون دغدغه و بدون نیاز به شغل دوم داشت. در کشور ما این گونه نیست و در شرایطی که خط فقر بیش از ۳۰ میلیون تومان است، میانگین دریافتی معلمان مطابق اظهارات مسئولان در حدود ۱۵ میلیون تومان است که تازه با اجرای رتبه‌بندی به این عدد رسیده است.»

تاثیر اندک رتبه‌بندی در بهبود معیشت معلمان

نیک نژاد در ادامه، با اشاره به مسئله رتبه‌بندی و افزایش نارضایتی معلمان عنوان می کند: «از سال ۱۳۹۰ موضوع رتبه‌بندی فرهنگیان در سند تحول بنیادین مورد تاکید بوده است. قرار بود معلمان سراسر کشور برای ارتقاء کارایی و جایگاه خود رتبه‌بندی شوند. گره زدن دریافتی معلمان با تلاش‌های حرفه‌ای و کمی کردن این تلاش‌ها اقدامی است که در چند کشور اجرایی شده و اثرگذار نبوده است. اگر آموزش‌وپرورش ژاپن را موفق بدانیم، در این کشور، ارتقاء شغلی و حرفه‌ای معلمان منوط به تجربه آموزشی آن‌هاست، هرسال که تجربه معلم بالا ترمی رود، عددی به حقوق معلم اضافه می‌شود. تقریبا در تمام جهان به همین صورت است. نکته بعدی این است که اگر فرض کنیم رتبه‌بندی می‌توانست در کیفیت آموزشی موثر باشد، در حال حاضر این نتیجه حاصل نشده و چنانچه با اعداد و ارقامی که چند سال پیش وعده داده بودند اجرایی می‌شد، ممکن بود رضایت‌مندی معلمان را افزایش دهد و پس از آن می‌توانستیم به سراغ گام‌های بعدی از جمله کیفیت‌بخشی نظام آموزشی برویم. در حال حاضر میزان افزایش حقوق به طور میانگین در حدود ۳ میلیون تومان است. حداکثر رتبه‌ای که یک معلم می‌تواند به دست آورد پنج است که در مرحله اول حدود ۲ هزار و ۳۰۰ نفر رتبه ۵ گرفتند و حدود ۴٫۵ میلیون تومان به حقوق این معلمان اضافه شد. این مبلغ نسبت به نرخ تورم عملا کارآیی خودش را از دست داده است. میانگین حقوق معلمان ۱۵ میلیون تومان است در حالی که خط فقر اعلامی ۳۰ میلیون تومان است و در تازه‌ترین آماری که ارائه شده، برای یک خانواده چهار نفره، خط فقر در حدود ۳۵ میلیون تومان اعلام شده. گرچه قرار بود در این طرح ۸ تا ۱۶ میلیون تومان به حقوق ناچیز معلمان اضافه شود، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاده و مبلغ افزایش یافته در بند فوق العاده رتبه‌بندی نتوانسته فاصله بین حقوق و دستمزد معلمان را از سایر کارکنان دولت کاهش دهد. به نحوی که خود وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه زنده تلویزیونی به صراحت اعلام کرد که میانگین حقوق معلمان حتی بعد از اجرای رتبه‌بندی حداقل ۳۰ درصد کمتر از بقیه کارمندان دولت است، بنابراین رتبه‌بندی هم تغییری در معیشت معلمان ایجاد نکرده و با معلمانی مواجهیم که خارج از ساعات آموزشی، در تاکسی‌های اینترنتی مشغول کارند. مشخص است در چنین شرایطی دافعه‌های حرفه معلمی بیشتر از جاذبه‌های آن است.»

این کارشناس از نداشتن استقلال عمل معلمان به‌عنوان یکی دیگر از دافعه‌های این حرفه یاد کرده و خاطرنشان می کند: «نداشتن استقلال عمل از دغدغه‌های مهم معلمان در حوزه آموزش است که در سندهای جهانی نیز مطرح شده، معمولا جوامع مختلف، جایگاه معلم را به‌عنوان فرد حرفه‌ای و متخصص قبول ندارند و به این ترتیب منزلت و ارزش اجتماعی آنان تضعیف شده است. در صورتی که اگر جایگاه تخصصی معلم را به رسمیت بشناسیم، آنگاه افرادی وارد این حیطه خواهند شد، که تخصص و مهارت دارند. دولت‌ها و عموم جامعه، معلمی را تخصص ندانسته و تصور می کنند هر فردی را می‌توان برای فعالیت معلمی انتخاب کرد. از طرفی آن‌ها استقلال عمل ندارند، در صورتی که معلم باید بنا به صلاحدید خود، از میان منابع متعدد آموزشی، چندین سرفصل آموزشی را برای تدریس انتخاب کند. معلمان ما هیچ اختیاری ندارند و باید صرفا محتواهای کتاب درسی را تدریس کنند. بنابراین فقط حقوق معلمان نیست که جاذبه ایجاد می کند، بلکه باید به مجموعه‌ای از عوامل توجه کرد، تا اندک رغبت باقیمانده برای ورود به این شغل از بین نرود.»

آگهی فقدان سند

آقای سید جمال الدین حسینی برابر وکالتنامه شماره ۵۳۵۹۰ مورخ ۱۴۰۲/۹/۱ دفتر ۹۱۰ تهران و به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰ شهریار مدعی است دو جلد سند مالکیت هر کدام سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۷۵ مترمربع به شماره ۳۴۸ فرعی از ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ اصلی مفروز و مجزا شده از ۷۸ فرعی از اصلی مزبور واقع در بخش ملارد که به شماره چاپی های ۲۳۹۴۹۱ و ۲۳۹۴۸۷ ذیل دفتر املاک ۴۶۶ صفحات ۱۲۵ و ۱۲۳ به نام علی فاضلی و فاطمه ناصرتوکلیان ثبت و سند صادر گردیده است که مع الواسطه برابر سند انتقال به شماره ۵۴۱۲۹ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۴ دفتر ۳۰ شهریار در مالکیت عباس شهریاران قرار گرفته است. به علت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میبا شد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم ورسید دریافت نمایند در غیراین صورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

م الف/۱۸۰۰

همایون خزایی سرپرست حوزه ثبت ملک ملارد از طرف حمیدرضا لطفی

==========

آگهی فقدان سند

آقای سیدجمال‌الدین حسینی برابروکالتنامه شماره۵۳۵۹۰مورخ۱۴۰۲/۹/۱دفتر۹۱۰تهران وبه استناد دوبرگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰ شهریار مدعی است دو جلد سند مالکیت هر کدام سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۷۵ مترمربع به شماره ۳۵۶ فرعی از ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ اصلی مفروز و مجزا شده از ۷۸ فرعی از اصلی مزبور واقع در بخش ملارد که به شماره چاپی های ۲۳۹۴۸۲ و ۲۳۹۴۸۳ ذیل دفتر املاک ۱۵۷ و ۱۵۵ صفحات ۱۵۷ و ۱۵۵ به نام علی فاضلی و فاطمه ناصرتوکلیان ثبت و سند صادر گردیده است که مع الواسطه برابر سند انتقال به شماره ۵۴۱۳۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۴ دفتر ۳۰ شهریار در مالکیت عباس شهریاران قرار گرفته است. به علت سهل انگاری مفقود گردیده وتقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میبا شد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم ورسید دریافت نمایند در غیراین صورت پس از انقضای مدت مذکور ونرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

م الف/۱۸۰۱

همایون خزایی سرپرست حوزه ثبت ملک ملارد از طرف حمیدرضا لطفی

==========

آگهی تحدید حدود عمومی سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۲ اداره ثبت اسناد و املاک آبادان

بپروآگهی ماده۱۱و۱۲ قانون ثبت بدینوسیله تحدید حدود عمومی پلاکهای مشروحه ذیل واقع در بخش های مختلف آبادان جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود:

بخش ۴ آبادان

۱۵۴/۱۰- آقای سعید حساوی فرزند حسین ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۲۵۸/۲۴- آقای مجید مطرود زاده فرزند جاسم ششدانگ یک قطعه زمین واقع در بخش ۴ آبادان

۲۵۸/۲۵- آقای مجید مطرود زاده فرزند جاسم ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۳۲۷/۳۲- خانم سکینه زینلی خرنجانی فرزند نعمت اله ششدانگ یک قطعه زمین واقع در بخش ۴ آبادان

۳۳۸/۱۹- خانم مریم خضیرپور فرزند سالم ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۳۳۴/۲۷- آقای جمال ابراهیم زاده فرزند عبداله ششدانگ یکباب خانه واقع در بخش ۴ آبادان

۳۶۲/۲- آقای حسین بغلانی فرزند لطیف ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۴۲۱/۷- خانم ایمان نعیمی فرزند عبدالزهراء ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۴۲۸- آقایان احمد وغیره فرزندان ابراهیم شهرت آنان بغلانی ششدانگ یک قطعه نخلستان واقع در بخش ۴ آبادان

۴۳۴/۵- آقای محمد ناشوری فرزند صفر ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۱۴۰۳/۳/۱۲

۴۳۷/۲۰- آقای نادر دریس فرزند غلامرضا ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۸۹۶/۳- آقای محمد فاطمی فرزند عیسی ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۱۸۵۰/۲- آقای خیراله مجدم فرزند غضبان ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۱۸۵۰/۳- آقای خیراله مجدم فرزند غضبان ششدانگ یک قطعه زمین واقع در بخش ۴ آبادان

۱۹۴۰- آقای رضا بنی سعید فرزند سلمان ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۲۱۱۳- آقایان ابراهیم و غیره همگی فرزندان متوفی جمعه شهرت آنان آسیابان جونقانی ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۴ آبادان

۲۵۷۰- آقایان طالب مشاوری فرزند عبدالحسن و غیره ششدانگ یک قطعه زمین جای نخلستان واقع در بخش ۴ آبادان

۱۴۰۳/۳/۱۳

بخش ۹ آبادان

۱۳۸۰- آقای عبدالجبار سباعی فرزند احمد ششدانگ یک قطعه نخلستان واقع در بخش ۹ آبادان

۱۹۴۹/۱۳- خانم مریم نصار ملائی فرزند عبدالرحمان ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۹ آبادان

بخش ۱۰ آبادان

۶/۳۶۴۷- آقای علی سلمانیان فرزند فاخر ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۱۰ آبادان

۱۷/۱۸۶۴- آقای علیرضا محمودی فرزند عبدالحسین ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۱۰ آبادان

۱۷/۱۸۶۸- آقای علیرضا محمودی فرزند عبدالحسین ششدانگ یکباب دکان واقع در بخش ۱۰ آبادان

۱۷/۱۸۶۹- آقای حسن محمودی فرزند معتوک ششدانگ یکبابخانه واقع در بخش ۱۰ آبادان

۱۷/۱۸۷۲- آقای عبدالرضا ناصری نژاد فرزند جواد ششدانگ یک قطعه زمین پی کنی شده واقع در بخش ۱۰ آبادان

۱۴۰۳/۳/۱۶

تحدید حدود پلاکهای فوق درساعت۸/۳۰صبح بعمل می آید بدینوسیله به مالکین ومجاورین ودارندگان حقوق ارتفاقی دعوت بعمل می آید که دروقت مقرر درمحل اداره ثبت اسنادواملاک حضوربهم رسانند چنانچه مالکین وبانمایندگان قانونی آنهادروقت مقرر حضور نداشته باشند عملیات تحدید حدود برابرماده۱۴قانون ثبت باحدود اظهارشده ازطرف مجاورین انجام خواهدشد.اعتراض مجاورین به حدودارتفاقی بانوجه به ماده۲۰اصلاحی قانون ثبت ظرف مهلت ۳۰ روز پس از تنظیم صورت مجلس تحدید حدود پذیرفته خواهدشد ضمناً معترض بایدظرف مدت یکماه پس از تسلیم اعتراض به این اداره اقدام وبه تقدیم دادخواست به مراجع قضایی نماید.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۲/۱۲

بی نیاز

رییس ثبت اسناد و املاک آبادان

==========

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۱۰۱ جمعی

نظربه دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز وای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرربه دادگاه نیست .

۱ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۸/۰۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۱» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۲- تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۱۳۱/۳۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۳» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۳- تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۴۳۱/۴۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۱» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۴ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۰۳/۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۲» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۵ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۹۳/۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۷» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۶- تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۴۱۹/۵۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۰» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۷ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۶۹/۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۸» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۸ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یکباب ساختمان مسکونی و (اصطبل و کاهدان)» بمساحت «۲۷۰/۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۰» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۹ - تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۹۶۹/۹۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۹» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله نصرالهی»

۱۰- تقاضای «پیام نصرالهی» فرزند «مهرعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۳۶/۳۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۴» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسداله ن